

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۹ می ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

سرپرستی وزارت نفت هم عرصه دیگری برای تسویه حساب

پایانی بر کشمکش‌های درونی رژیمی که غرق در بحران می‌باشد، متصور نیست. در حالی که نزاع بر سر ادغام وزارتخانه‌ها همچنان ادامه دارد، کافی بود که احمدی‌نژاد در گفت و گوی تلویزیونی‌اش اعلام کند: سرپرستی وزارت نفت را بر عهده گرفته است تا نزاع دیگری برپا شود.

وزارت نفت است و شوخی‌بردار نیست. پای میلیاردها دلار درآمد، قراردادهای چندین میلیارد دلاری و پورسانت‌های ده‌ها و صدها میلیون دلاری در میان است. لذا وزیر نفت همواره فردی بوده است که تمام باندهای حاکم در جمهوری اسلامی برای تأمین منافع خود، بر سر او توافق کرده‌اند. اکنون احمدی‌نژاد، بدون این توافق، همه چیز را در این وزارتخانه در دست خود گرفته بود. بنابراین، درگیری بر سر این مسأله اجتناب‌ناپذیر بود. گروه‌های رقیب او، در اولین موضع‌گیری‌های خود، از زاویه مصالح جمهوری اسلامی و حتی ریاست جمهوری وارد این قضیه شدند و اعلام نمودند که به مصلحت نیست، رئیس جمهوری، سرپرستی وزارت نفت را خود بر عهده بگیرد.

توکل یکی از سران گروه‌های رقیب و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، در گفت و گوئی با خبرگزاری دولتی فارس با اشاره به برکناری وزیر نفت در شرایط "تحریم" و "افشارهای سیاسی و تبلیغاتی" و "مشکلات اقتصادی جدی" افزود:

"در این شرایط می‌بینیم که آقای رئیس جمهوری، سرپرستی وزارت نفت را بر عهده می‌گیرد. آیا در شأن رئیس جمهوری اسلامی ایران هست که با وزرای کشورهایی که هم‌سطح او نیستند یا با قائم مقام وزرای اوپک، در یک جلسه بنشینند؟ معنای این کار آقای رئیس جمهور این است که ما در واقع نمی‌توانیم ریاست اوپک را به خوبی بر عهده داشته باشیم."

دبیر مجمع تشخیص مصلحت رژیم نیز وارد ماجرا شد که احمدی‌نژاد را از بر عهده گرفتن این پست برحذر دارد. او هم گفت:

"اقدام رئیس جمهور در بر عهده گرفتن سرپرستی وزارتخانه حساسی چون نفت کار نامناسب و آسیب‌پذیری‌ست." وی در ادامه با اشاره به قراردادهای میلیاردی که در وزارتخانه نفت منعقد می‌شود گفت: "کافی‌ست در یکی از این قراردادها به صورت طبیعی مشکل حقوقی یا مالی اتفاق بیفتد که در آن صورت به ضرر رئیس جمهور خواهد بود. البته احمدی‌نژاد چنین قصدی را ندارد، اما نباید به عنوان رئیس جمهور این ریسک بزرگ را انجام دهد." وی سپس نتیجه می‌گیرد: "بنابراین، این که رئیس جمهور خود سرپرستی وزارتخانه حساسی چون نفت را بر عهده بگیرد به هیچ وجه به مصلحت ایشان نیست." دبیر مجمع تشخیص مصلحت جمهوری اسلامی، به شکلی صریح، مصلحت نبودن سرپرستی احمدی‌نژاد را بر وزارت نفت، با قراردادهای میلیاردی این وزارتخانه مرتبط می‌داند و البته برای حفظ ظاهر قضیه اشاره می‌کند که "احمدی‌نژاد چنین قصدی ندارد." اما در بحبوحه کشمکش‌های حاد درونی جمهوری اسلامی، از طریق عنوان کردن "مصلحت" نمی‌شود اختلافی را حل کرد، بنابراین در حالی که احمدی‌نژاد برای اقدام خود به قوانین جمهوری اسلامی استناد می‌کرد، گروه‌های رقیب او نیز می‌بایستی توجیه به اصطلاح قانونی برای رد ادعای او ارائه دهند. در این‌جاست که بار دیگر شورای نگهبان وارد ماجرا می‌شود و اعلام می‌کند:

بر عهده گرفتن سرپرستی یک وزارتخانه توسط رئیس دولت، مربوط به دوران گذشته است که نخست‌وزیر رئیس هیأت دولت بود و پس از اصلاح قانون اساسی، این مسأله دیگر صادق نیست. اکنون با صدور جواز غیر قانونی بودن سرپرستی احمدی‌نژاد بر وزارت نفت توسط شورای نگهبان، زمینه برای حملات متمرکزتر از درون مجلس فراهم شده بود.

روز سه‌شنبه این هفته، تعدادی از اعضای مجلس، احمدی‌نژاد را بر سر نادیده گرفتن تفسیر شورای نگهبان مورد حملات شدید قرار دادند و از رئیس مجلس خواستند رسیدگی به این مسأله را در دستور کار قرار دهد. لاریجانی نیز اعلام کرد که "در حال حاضر وزارت نفت سرپرست ندارد و باید برای این وزارتخانه سرپرست معرفی شود." در حالی که احمدی‌نژاد رسماً در گفت و گوی تلویزیونی‌اش اعلام نموده که سرپرستی وزارت نفت را بر عهده گرفته و عملاً هم آن را در دست دارد، رئیس مجلس در واقع، خلع وی را از سرپرستی این وزارتخانه اعلام می‌کند و می‌گوید:

"در حال حاضر وزارت نفت سرپرست ندارد."

سران رژیم آشکارتر از این نمی‌توانند ورشکستگی سیاسی جمهوری اسلامی را نشان دهند. اکنون دیگر نزاع و جدال آنها لفظی نیست، بلکه برای تخریب قدرت یک دیگر عملاً دست به کار شده‌اند. رئیس قوه اجرایی خود را موظف به اجرای تصمیمات مجلس، شورای نگهبان و دیگر نهادها و ارگان‌های رژیم نمی‌داند. مجلس هم تصمیمات رئیس دستگاه اجرایی را کان لم یکن اعلام می‌دارد.

رئیس هیأت دولت، وزرایش را برکنار می‌کند، مجلس، وزرای برکنار شده را به نافرمانی و ادامه کار فرا می‌خواند. احمدی‌نژاد وزیر اطلاعات را برکنار می‌کند، خامنه‌ای آن را منصوب می‌نماید. احمدی‌نژاد، سرپرستی وزارت نفت را بر عهده می‌گیرد، رئیس مجلس، خلع او را اعلام می‌کند. شورای نگهبان تفسیری از قانون ارائه می‌دهد که گویا عمل به این تفسیر الزامی‌ست، رئیس دولت، اما عملاً اجرای آن را نفی می‌کند.

این هرج و مرج درونی، که در هیچ کجای جهان نمی‌توان نظیر آن را سراغ گرفت، بازتاب پوسیدگی و بن‌بست‌های متعدد رژیم‌ست که قادر نیست، هیچ معضلی از معضلات بی‌شمار جامعه ایران را حل کند. وقتی که طبقه حاکم نتواند به نیازهای اجتماعی پاسخ دهد؛ وقتی که سیاست‌های این طبقه، پی در پی با شکست روبرو گردند، تغییر و

دگرگونی جامعه در دستور کار قرار می‌گیرد. اما اگر طبقه و توده‌هایی که وظیفه به اجرا درآوردن این دگرگونی را بر عهده دارند، آمادگی لازم را برای عملی کردن فوری آن نداشته باشند، لاجرم، جامعه در یک دور باطل و بی‌انتهای بحران گرفتار می‌ماند. فساد و گندیدگی، سراسر نظام را فرا می‌گیرد. جامعه، سیر قهقرائی طی می‌کند و طبقه حاکم نیز که قادر به حل هیچ معضلی از معضلات جامعه نیست، مدام درگیر نزاع‌های درونی می‌شود. هرج و مرج، فساد و فروپاشی سراسر دستگاه دولتی را فرا می‌گیرد. این وضعیتی است که جامعه ایران و جمهوری اسلامی درگیر آن هستند و تمام آنچه که اکنون در درون طبقه حاکم و نظام سیاسی موجود می‌گذرد، انعکاسی از همین واقعیت است. هیچ راهی برای خارج شدن از این بحران و بن‌بست، جز یک انقلاب وجود ندارد. مادام که این انقلاب رخ نداده است، اوضاع همواره بر همین منوال خواهد بود.

افزوده‌های جدید به لیست تخلفات

در جمهوری اسلامی که یک رژیم استبدادیست، سوء استفاده‌های مالی و سیاسی، زد و بند، دزدی، پارتی‌بازی و انواع و اقسام خلافکاری‌ها، یک امر رایج و مرسوم است. از آنجائی که در این دستگاه حکومتی، باندها و دسته‌بندی‌های متعددی وجود دارد، هر یک از آنها پرونده‌های فراوانی از گروه‌های دیگر را در اختیار دارد که از آن می‌تواند برای تسویه حساب‌های سیاسی بهره‌گیری کند.

اکنون چندین هفته است که تسویه حساب با دسته‌بندی وابسته به احمدی‌نژاد آغاز شده است. برخی از وابستگان به این گروه، هم اکنون به اتهامات متعدد از سوء استفاده مالی گرفته تا جن‌گیری و جاسوسی، دستگیر و روانه زندان شده‌اند. پرونده‌های تعداد دیگری از آنها، یکی پس از دیگری برملا می‌شود. در این هفته، معاون اجرایی احمدی‌نژاد، بقائی، زیر فشار برای کنارگیری قرار گرفته بود.

سایت‌های متعدد وابسته به جمهوری اسلامی گزارش کردند که وی "به دلیل تخلفات عیدیه" به ۴ سال انفصال از خدمات دولتی محکوم شده و حضور وی در دولت غیر قانونیست. در مورد محتوای این تخلفات اخبار متناقضی انتشار یافته، اما خود وی در یک جلسه خبری با خبرنگاران گفت:

"این حکم برای تخلف، جرم، جنایت و سوء استفاده مالی نیست. یک حکم اداریست، درباره خروج آثار از ثبت آثار تاریخی ملی است." وی در عین حال افزود: این حکم متعلق به ۶ ماه پیش است و نسبت به آن اعتراض کرده‌ام. هر چه هست، این اول ماجراست. از هم اکنون سایت عماريون از گروه‌های حزب‌اللهی وابسته به وزارت اطلاعات، لیستی از سوء استفاده‌های مالی وی را در مورد هزینه ۵۷ میلیون تومانی سفر نوروزی به هندوستان، واگذاری رستوران‌های ایجاد شده در نتیجه تغییر اماکن میراث، به افراد خاص از آشنایان، صدور مجوز آژانس‌های جهانگردی به افراد خاص، تأسیس شرکت‌هایی با عناوین مختلف، به منظور عقد قراردادهای سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، بدون انجام مناقصه و غیره را به عنوان ضمیمه خبر، انتشار داده است و افزوده است "در صدد فرصت و حجتی است که دلایل اخراج نامبرده از وزارت اطلاعات و صدا و سیما را منتشر کند." این اظهار نظر گروه شبه نظامی وابسته به وزارت اطلاعات نشان می‌دهد که اتهامات عریض و طویل‌تری برای معاون اجرایی احمدی‌نژاد در پیش است.

روی کار آمدن احمدی‌نژاد، اساساً با حمایت سپاه پاسداران، بسیج و وزارت اطلاعات صورت گرفت. لذا اعضای کابینه وی از همان آغاز از میان اطلاعاتی‌ها و پاسداران انتخاب شدند. بقائی هم یکی از همان کادرهای وزارت اطلاعات بود که در کنار مشائی در تشکیلات "مدیریت مناطق بحران" کار می‌کرد که مسؤول سیاست‌گذاری

وزارت اطلاعات در کردستان بود. این‌ها همه، پرونده‌های سیاهی در زمینه‌های مختلف دارند که رو شدن هر یک از آن‌ها برای تسویه حساب‌های جناحی کافی‌ست.

تسویه حساب با این افراد، البته تسویه حساب با شخص آن‌ها نیست، بلکه اقداماتی‌ست در راستای تسویه حساب با احمدی‌نژاد.

در این هفته، اتفاقات دیگری رخ داد که مستقیماً خود احمدی‌نژاد را بر سر سوء استفاده‌های مالی و سیاسی هدف قرار داد.

تصویب طرح تحقیق و تفحص از سهام عدالت، در روز چهارشنبه این هفته در مجلس، مقدمه تدارک یک پرونده مفصل علیه شخص احمدی‌نژاد است که با توزیع پول در میان گروهی از مردم تحت عنوان سود سهام، به خرید آراء پرداخته است.

طراح اصلی این طرح، نماینده یزد، در گفت و گو با خبرنگار مجلس، "پرداخت سود سهام عدالت به مردم، آن هم در زمان انتخابات را تخلف قانونی دولت" دانست و تصریح کرد:

"در زمینه پرداخت سود سهام عدالت در زمان انتخابات شبهات و ابهامات بسیاری وجود دارد که تحقیق و تفحص از این مسأله باعث می‌شود، شبهات برطرف شود و با تخلفات صورت گرفته برخورد جدی به عمل آید." اما شبهه در کجاست؟ وی می‌گوید:

"با توجه به قانون پرداخت ۵۰ درصد از بهای سهام عدالت از سوی دریافت‌کننده سهام، اگر سودی به سهام عدالت تعلق گیرد، باید صرف پرداخت بهای سهام شود، بنابراین پرداخت مبلغی به عنوان سود سهام عدالت به افرادی که هنوز اصل بهای سهام را پرداخت نکرده‌اند، جای شبهه و بحث دارد."

حالا اصل مسأله در پشت این استدلال چیست؟ این است که سودی به عنوان سود سهام به دارندگان سهام عدالت تعلق نمی‌گرفت، اما احمدی‌نژاد برای جمع کردن آرای این افراد در به اصطلاح انتخابات سال ۸۸، که گویا تعدادشان به ۹ میلیون می‌رسد، مبلغی پول به عنوان سود سهام عدالت میان آن‌ها توزیع کرده است. اما مردم ایران که خوب می‌دانند، سرتاپای جمهوری اسلامی و انتخاباتش تقلب، دروغ و فساد است. حالا چرا این مسأله اکنون مطرح می‌شود و پیشنهاد فراکسیون موسوم به اصلاح‌طلب با موافقت ۱۷۶ رأی یعنی در واقع، موافقت فراکسیون موسوم به اصول‌گرا تصویب می‌شود؟ پاسخ وی، شک و شبهه‌ای در مورد هدف آن باقی نمی‌گذارد. وی می‌گوید:

"اتفاقات ماه‌های اخیر، اصول‌گرایان و مجلس را متوجه تخلفات اطرافیان دولت کرده است و زمینه را برای بررسی و برخورد با چنین تخلفاتی فراهم نموده است."

عجب! پس "اصول‌گرایان" که سال‌ها همکار و هم‌دست احمدی‌نژاد بوده‌اند، نه فقط خود نقشی در این فساد و تقلب نداشته، بلکه اصلاً از ماجرا بی‌خبر بوده‌اند و اتفاقات ماه‌های اخیر، یعنی تشدید اختلافات‌شان با احمدی‌نژاد، آن‌ها را متوجه "تخلفات اطرافیان دولت" کرده است و حالا مصمم‌اند بقیه احمدی‌نژاد و اطرافیانش را بگیرند! اما رسوائی جمهوری اسلامی بیش از آن است که اصلاح‌طلب حکومتی بخواهد دوستان اصول‌گرای خود را از فساد و تقلبات بزرگ بی‌خبر نشان دهد. هر آدمی با کمی آگاهی هم می‌داند که همه گروه‌ها و جناح‌های رژیم از همان آغاز موجودیت آن، در این فساد و تقلب نقش داشته و طرح آن، امروز فقط وسیله‌ای است برای تسویه حساب با گروه رقیب که احمدی‌نژاد و دار و دسته‌اش هستند.

با این همه باید گفت که حتا تصویب طرح تحقیق و تفحص از همین ماجرا نیز نمی‌تواند به نتیجه‌ای برسد، چرا که در آن صورت پای خیلی‌ها به میان کشیده خواهد شد، از خامنه‌ای و دفترش گرفته تا سپاه پاسداران، بسیج، وزارت اطلاعات، وزارت کشور و باند‌های متعدد اصول‌گرا. اما دامنه‌اش فقط به این مسأله محدود نخواهد ماند، بلکه به افشاگری‌های دیگری خواهد انجامید که هیچ‌یک از گروه‌ها و جناح‌های جمهوری اسلامی نمی‌خواهند کار به این مرحله بکشد.

تصویب این طرح، صرفاً هشدار است به احمدی‌نژاد و تهدیدی است برای به عقب راندن وی و به تبعیت واداشتن او در این دو سال باقیمانده ریاست جمهوری‌اش.

چیزی فراتر از این در تصویب طرح تحقیق و تفحص پیرامون سهام عدالت نیست.

علاوه بر تصویب این طرح در این هفته، موارد دیگری نیز به لیست تخلفات احمدی‌نژاد افزوده شد که آن‌ها نیز در راستای همین هدف قرار دارند. رئیس دیوان محاسبات خبر از ارسال گزارشی از تخلفات دولت در سال ۸۹ به مجلس، در مورد چگونگی اجرای هدفمندی یارانه‌ها داد. مصباحی مقدم، رئیس کمیسیون ویژه مجلس نیز خبر از تخلف دولت در برداشت ۵ هزار میلیارد تومان از منابع داخلی بانک مرکزی برای پرداخت یارانه‌های نقدی داد و گفته شد که هنوز تسویه حسابی بر سر این مبلغ صورت نگرفته است. وزیر اقتصاد نیز این مسأله را تکذیب نکرد، بلکه گفت: "پاسخ را از طریق دیوان محاسبات خواهیم داد و هیچ دلیلی برای رسانه‌ای کردن این موضوع وجود ندارد."

احمدی‌نژاد، راجع به تمام مسائلی که در این هفته در مجلس علیه وی گذشت، کاملاً سکوت کرد. اما در مراسم تودیع و معارفه رئیس سازمان میراث فرهنگی، شدیداً از معاون اجرایی خود دفاع کرد، مخالفین او را "افراد جاهل و یا متجاهل" نامید و اطرافیانش را به "ایستادگی" فراخواند.

به رغم این که احمدی‌نژاد، هنوز خواست خودش را پیش می‌برد و نزدیکانش را در دستگاه اجرایی و هیأت دولت به ایستادگی فرا می‌خواند، اما مشکل بتواند در برابر موج حملات پی در پی گروه‌های رقیب مقاومت کند. چرا که اکنون دیگر درگیری محدود به مجلس و دستگاه قضائی نیست. شورای نگهبان، سران دستگاه روحانیت، فرماندهان نظامی رژیم نیز مستقیم و غیر مستقیم او را با نام مستعار "جریان انحرافی" مورد حمله قرار داده‌اند. لیست تخلفات احمدی‌نژاد و اطرافین او مدام افزایش می‌یابد و پرونده آن‌ها برای تسویه حساب قطورتر می‌گردد.